■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۸۰۸۲ ■ دوشنبه ■ ۲۸ آذر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۰۱ | اذان مغرب ۱۷/۱۴ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۷ | اذان صبح فردا ۵/۴۰ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۰

سخن روز

پیامبراکرم(ص):
بنده با خوش‌اخلاقی به مقام روزه‌گیر شب‌زنده‌دار می‌رسد.
بحارالأنوار،ج۷۱،ص۳۷۳

نـــگاره
نیما شاه‌میری

ضرورت رعایت الگوی مصرف گاز در این روزها

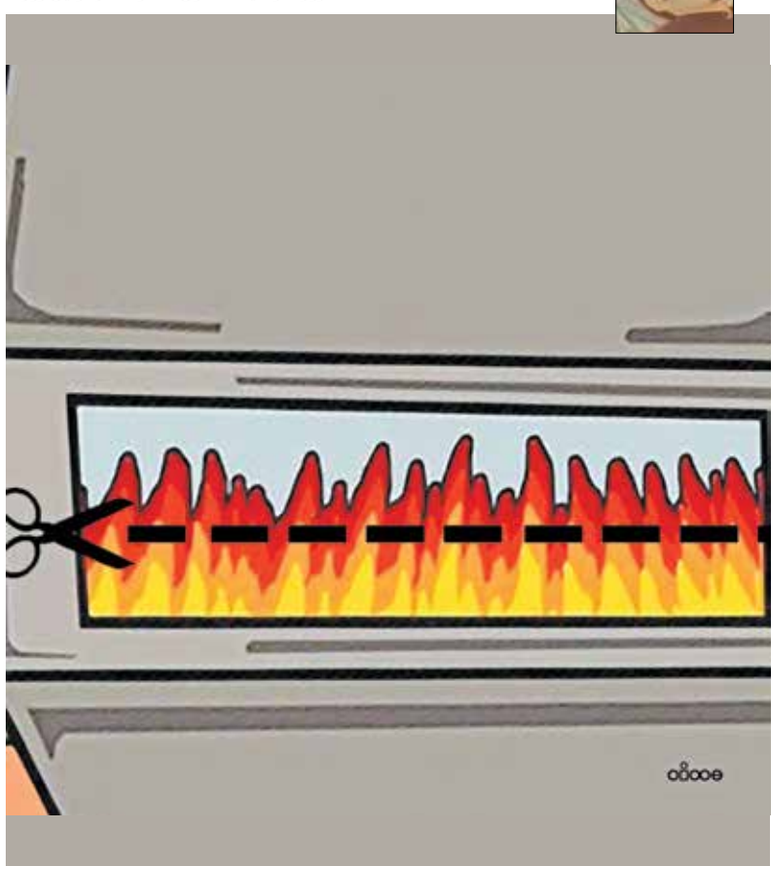

حرف مردم چیزی نیست که از آن سوی مرزها دیکته می‌شود

محسن برمهانی: سه هزار و چند صد نفر در صنف‌های مختلف سینما و تلویزیون فعالند که در میان اینها تنها چند نفر در حوادث اخیر موضع‌گیری کرده‌اند. اگر این موضع‌گیری‌ها مخل امنیت کشور بوده یا تشویق به اغتشاش و از دست رفتن فرصت‌ها و... در موضع‌شان بوده، جایی که باید در قبال‌شان تصمیم بگیرد، سازمان صداوسیما نیست. ما دوست نداریم سرمایه‌ها و ظرفیت‌های هنری کشور به‌راحتی از دست بروند، ولی بالاخره افرادی که معدود هم هستند چنین موضع‌گیری‌هایی داشته‌اند. کسانی حرفی می‌زنند و کاری می‌کنند تا فضایی ایجاد کنند که البته مؤثر هم هست، یعنی این را قبول دارم که این حرف‌ها متأسفانه در جامعه مؤثر است، اما تعدادشان اندک است. درباره اینها هم نهادهای مسئول رسیدگی، باید صحبت کنند. اگر هم از ما مشورت بخواهند بنایمان بر حفظ و نگه داشتن این افراد است، مشروط بر اینکه حرف مردم را بزنند. حرف مردم لزوماً آن چیزی که از آن طرف مرزها دیکته می‌شود، نیست. اگر مشکل اقتصادی وجود دارد یا هر نکته‌ای هست، باید بگویند. ما با خیلی‌ها کار می‌کنیم که نسبت به شرایط اقتصادی امروز کشور معترضند و نسبت به آن واکنش هم دارند اما همین واکنش هم مقدار و میزانی دارد.

بخشی از گفته‌های معاون سیمای رسانه ملی در مهر

هیچ چیزی رو به اندازه خوشبختی جدی نگیر.

مرگ خوش، آلبر کامو

گشتی حوالی ادبیات در آستانه برگزاری هفدهمین جشنواره شعر فجر

شعر، جبهه فرهنگی مهم اما بدون حامی جدی است

کلمه

مصطفی‌محدثی خراسانی
شاعر و نویسنده

هنر این پدیده ارجمند و تعریف‌ناپذیر خلقت، عطیه‌ای الهی است و به تعبیری دارای سری ناشناخته است و همین ویژگی آن نیز اساسی‌ترین سهم در بروز و ظهور هنر در جان هنرمند را برعهده دارد. اگرچه سهم عمده‌ای از بالندگی و شکوفایی و به‌ثمر نشستن آن نیز مرهون تلاش‌هایی است که هنرمند در سیر و سلوک هنری خویش انجام می‌دهد اما نمی‌توان برای عاملی دیگر نیز سهمی در این سیر و سلوک قائل نشد و آن عامل محیط و زمینه‌های مساعد و نامساعدی است که حواشی این سیر و سلوک را شکل می‌دهند.

در چهار دهه‌ای که از پیروزی انقلاب اسلامی که بحق انقلابی فرهنگی بود می‌گذرد، شعر در مقایسه با سایر رشته‌های فرهنگی و هنری موقعیتی کاملاً متفاوت داشته است. شعر بیشترین حضور را در عرصه‌های مختلف داشته و سهم عمده‌ای از فرهنگ‌سازی معرفتی این سال‌ها را به دوش واژه‌های تب‌دار خویش کشیده است.

شعر اولین هنری بود که از همان اولین روزهای مبارزات پابه‌پای مردم به میدان آمد، چه در قالب شعارهای انقلاب و چه سرودهایی که شور انقلابی مردم را فریاد می‌کشید و چه تا بعدها که خود تبدیل به جریان پیشرو و تأثیرگذار شعر معاصر ایران‌زمین شد، همواره حضور شاعران از چشمگیرترین و تأثیرگذارترین حضورها در عرصه‌های فرهنگی کشور بوده است و کماکان خواهد بود؛ چرا که شعر شفاف‌ترین آینه‌ای است که می‌توان تصویر بی‌دروغ و بی‌نقاب فرهنگ و هویت یک ملت با تمام ابعاد را در آن به تماشا نشست و نبض فرهنگ را از خون جاری در رگ‌های شعر سراغ گرفت.

آن گاه که بحثی آسیب‌شناسانه پیرامون مسائل فرهنگی درمی‌گیرد یا نیاز به گشودن افق‌های تازه در گستره فرهنگی کشور احساس می‌شود، در عرصه مصاحبه‌ها و مناظره‌ها و نقد و تحلیل‌های رسانه‌ای اعم از خبرگزاری‌ها و مطبوعات و سایر تریبون‌ها پرشورترین و خلاق‌ترین حضور را اهل ادب و خصوصاً شاعران دارند. بخش عظیمی از فرهنگ‌سازی‌ها در طول تاریخ و در این روزگار در سایه شعر شکوهمند فارسی به سامان رسیده و این به دست نیامده مگر با شوری آتشین که در جان شاعران شعله‌ور بوده است. آتشی مقدس که هستی شاعر را چون شمعی قطره‌قطره آب کرده و سوزانده و نور این سوختن و ساختن چراغی فراروی بشریت شده است. شعر اگرچه فرایند تأملات درونی و زندگی اجتماعی شاعر است اما در نهایت، شعر سلوکی فردی است و همین موجب شده شاعران رغبتی به ایجاد تشکل‌های جمعی در طول تاریخ نداشته باشند و امروز نیز پراکنده‌ترین و بی‌تشکل‌ترین جمع، جمع شاعران روزگار ماست، حتی شاعرانی که در خیمه‌گاه انقلاب اسلامی گرد آمده‌اند و آنها را به عنوان شاعران انقلاب می‌شناسیم نیز دارای هیچ تشکل سامان‌یافته‌ای نیستند.

این در حالی است که نظام فرهنگی و مدیریت آن در طول این سال‌ها کمترین توجه را نسبت به شعر روا داشته‌اند، که عدم برگزاری جشنواره شعر در مجموعه جشنواره‌های فرهنگی و هنری فجر تا ربع قرن پس از پیروزی انقلاب اسلامی روشن‌ترین گواه آن است. امسال هفدهمین دوره جشنواره شعر فجر در حال برگزاری است و باوجود اینکه برگزاری این جشنواره در شانزده دوره گذشته توانسته است تا حدی از انباشته‌تر شدن بی‌مهری‌ها نسبت به شعر بکاهد، نباید انتظار داشت که برگزاری سالانه یک جشنواره که دبیرخانه آن هم به‌صورت موسمی فعال می‌شود، بتواند این همه بار برزمین مانده را در حوزه شعر بردارد.

شعر باید در نظام فرهنگی ما تعریف شود و جایگاهی در شأن خود که به تعبیر رهبر انقلاب هنر و ثروت ملی ماست پیدا کند و آنگاه از جشنواره شعر فجر به‌عنوان یکی از اهرم‌ها در جهت پیشبرد اهداف انتظار داشت بخشی از این مسئولیت را عهده‌دار شود، شعر نه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نه در حوزه هنری و نه در هیچ کجای دیگر این کشور به‌صورت ملی و کلان دیده نشده و جایگاه و شأن متناسب خود را ندارد و هیچ‌کدام از مجموعه‌های مرتبط عملکرد قابل ارائه و دفاعی نسبت به شعر ندارند و با این وصف شاعران نمی‌دانند که طرف حساب آنها کیست و باز همین فقدان مرجع موجب شده تشکل‌ها و بنیادهای لازم شکل نگیرد و رغبت و انگیزه‌ای هم برای اقدام در بین شاعران به‌وجود نیاید. شعر نیازمند یک نهضت فرهنگی است تا بتوانیم از ظرفیتی که در طول قرن‌ها به آن دست یافته بهره‌برداری کنیم و به آن ظرفیت‌های تازه‌ای متناسب با نیازهای امروز و راهبردهای فرهنگی کشور بیفزاییم.

برخی اما و اگرها درباره تالارهای نمایشی

پنجره‌ای رو به دیوار

رضا آشفته
منتقد تئاتر

ساخت و ساز تالارهای نمایشی از زمانی اهمیت پیدا کرد که شعار تئاتر برای همه به شکل گسترده‌ای در چندین دولت و در زمان برگزاری جشنواره تئاتر فجر با تأکید تکرار شد. در ادامه هم مرکز هنرهای نمایشی و در واقع اداره کل‌های ارشاد استان‌ها درصدد برآمدند که در شهرها و مراکز استان‌ها سالن‌هایی را ایجاد کنند و هم شهرداری‌ها و به قول معروف سازمان فرهنگی هنری شهرداری تلاش کردند نسبت به این قضیه بی تفاوت نباشد.

از سال ۱۳۸۷ به این‌سو که تئاتر به سمت خصوصی شدن پیش رفت علاوه بر بخش‌های دولتی در بخش خصوصی هم انگیزه ساخت و ساز تالارهای نمایشی ایجاد شد. در بخش خصوصی اما به دلیل نیاز به حمایت‌های جدی‌تر یا دریافت وام این اتفاق، هم به شکل کندتری پیش می‌رفت و هم ساخت‌وسازها با امکانات کمتری انجام شد و به تعبیر بهتر از استاندارد لازم برخوردار نبود. در واقع سوله‌ها یا این خانه‌های قدیمی که تبدیل به سالن می‌شد، مجوزهای لازم را از شهرداری‌ها دریافت نمی‌کرد و از سوی دیگر در اغلب موارد رهن و اجاره بودن این مکان‌ها، مانع آن می‌شد که بتوان در آنجا تغییرات اساسی ایجاد کرد. بر این اساس و با این شرایط برای تحقق این شعار نمی‌شود به بخش خصوصی چشم امید بست اما شهرداری‌ها و وزارت فرهنگ و هنر که هر دو از متولیان امور فرهنگی هستند می‌توانند در ساخت و ساز سالن‌ها و تالارهای نمایشی با کیفیت اقدام کنند. این اقدامات تا حدودی پاسخگو بوده اما در برخی موارد با مشکلاتی همراه است. به عنوان مثال زمینی که قرار است تبدیل به تالار نمایش شود در جایی نامناسب یا در خیابان‌های مرکزی شهر واقع شده و این تبدیل به عادت شده است که مردم برای دیدن تئاتر از چهارگوشه شهر و شهرهای کوچک اطراف به مرکز تهران بیاند. بر این اساس لازم است در این حوزه تمرکززدایی شود و تالارهای سراسر تهران با سیاست و تدبیر درست فرهنگی و حضور گروه‌های حرفه‌ای، فعال شوند و در عین حال با سیاست‌های تشویقی مخاطبان ساکن در این مناطق تئاتربین شوند. در این صورت می‌توان به آینده این تالارها امیدوار بود. همچنین می‌توان تالارهای چند منظوره را با کمی تغییر و ارائه تجهیزات به مکان حرفه‌ای برای اجرای نمایش تبدیل کرد. البته که مشکلات این حوزه صرفاً به مسائل سخت‌افزاری معطوف نمی‌شود و مدیریت فرهنگی قوی نیز در این مراکز حضور ندارد یا اینکه از اختیارات لازم برای حمایت از گروه‌های تئاتری برخوردار نیستند.

چنانچه در یک تالار، ۱۵ گروه فعال وجود داشته باشد که به لحاظ مالی تأمین شده باشند، آن وقت با اجرای پیوسته نمایش‌های اقناع‌کننده و البته با قیمت مناسب، تماشای تئاتر برای مخاطب به عادت تبدیل خواهد شد. در وضعیت موجود تئاتر برای همه تبدیل به شعاری شده که هنوز شکل دقیق و کاربردی خودش را پیدا نکرده است. این در شرایطی است که با ازدیاد مراکز دانشگاهی یا همان دانشکده‌های تئاتری با حجم بالایی از دانشجویان تئاتری مواجه هستیم که باید به لحاظ مالی تأمین شوند و به تئاتر به عنوان شغل نگاه کنند. اما اغلب آنها در بهترین حالت کارمند مراکز فرهنگی می‌شوند و بخش زیادی از آنها به طور کلی از فضای تئاتر دور می‌شوند. در نهایت اینکه هیچ برنامه‌ای برای جذب دانشجویان تئاتری وجود ندارد و با این مسأله بغرنج مواجه هستیم که نیروی انسانی و هنرمند پرورش یافته داریم اما به اندازه کافی تالارهای نمایشی نداریم.

متأسفانه مدیران فرهنگی و متولیان تئاتر، در سطح کلان حمایت‌ها و برنامه‌های کاربردی را که لازم است برای چنین منظوری نوشته و اجرا شود ندارند. پس به طور خلاصه باید گفت که اگر قرار باشد تئاتر برای همه باشد باید تالارهای نمایشی به اندازه کافی در سرتاسر ایران راه‌اندازی شود و مدیران با برنامه جذب این تالارها یا مراکز فرهنگی شوند و از همه مهم‌تر گروه‌هایی به طور حرفه‌ای و با تمام حمایت‌های لازم جذب این تالارها شوند و از سوی دیگر باید مخاطب‌سازی صورت بگیرد و با برنامه‌های تشویقی به طور پیوسته مخاطبان جذب این تولیدات شوند. در این صورت می‌توان امید داشت که «تئاتر برای همه» در سرتاسر ایران، فراتر از یک شعار اتفاق بیفتد.

«ردیف میرزا عبدالله» به روایت داریوش طلایی

پیشنهاد

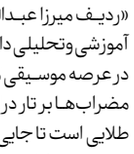

رضا مهدوی
نوازنده سنتور و مدرس موسیقی

در دوران قاجاریه و از زمانی که توسط خاندان علی اکبرفراهانی، موسیقی ایرانی تدوین و مدون شد، موسیقی ردیف دستگاهی اصطلاحاً ساختار و نظام متفاوتی از آموزش و اجرا را پیش روی نهاد و شاکله جدیدی از موسیقی رونمایی شد. در اهمیت فراگیری موسیقی ردیف، از گذشته تا کنون هیچ شک و شبهه‌ای نیست؛ موسیقی ردیف که بنیان موسیقی ملی ایران در آن نهفته است و با تمام شاخه‌ها و گونه‌هایی که در فلات ایران دارد با توجه به قومیت‌ها و آیین‌های مهم و رنگارنگش همواره زیرساخت‌هایی را مطرح می‌کند که هرچه نواخته و ساخته می‌شود به‌نوعی از عیار و اعتبار موسیقی ردیف دستگاهی بهره می‌گیرد. قالب‌هایی که در موسیقی ردیف وجود دارد، جدای از فرم‌ها که بحث دیگری را می‌طلبد، گویای چگونگی شکل‌گیری مدوّن شده نغمه‌ها در یک سیر طبیعی فرهنگ شنیداری است. نام‌هایی مثل «گوشه» با فرازی اندک‌تر به اسم «آواز» و از منظری با حجم شنیداری نسبتاً بالاتر با عنوان «دستگاه»، از مجموعه ردیف روایت‌های متعدد می‌سازد. داریوش طلایی نوازنده و مدرس برجسته موسیقی نظام ردیف دستگاهی این اقبال را داشته تا نزد استادان برجسته زمان که با تمامی رموز فرهنگ شفاهی-شنیداری آموزش و اجرای موسیقی تسلط داشته‌اند، به فراگیری دقیق راه و روش‌ها بنشیند. علی‌اکبر شهنازی، نورعلی برومند، یوسف فروتن، سعید هرمزی و عبدالله دوامی، ستون‌های حقیقی و محکمی بودند که به خوبی توانستند کلیات و ریزه‌کاری‌های موسیقی ردیف را به شاگردان مستعد خود همچون استاد داریوش طلایی منتقل کنند و او، نیز متعهدانه تمام همّ و غم خود را مصروف به انتقال صحیح مطالب در فرم و قالب، به هنرجویان و دانشجویان داشته تا آنها آگاهانه با روایت جمع الجمع ادراک فن موسیقا آشنا شوند و همچنان در نهایت شناخت تکنیک و تجربه موسیقایی سعی و اهتمام ورزند. با توجه به گذران روزگار که سرشار از تکنولوژی و ابزارهای رسانه‌ای و فضاهای مجازی برای انتقال مفاهیم آموزشی است، بی‌تردید با بسیاری از نابسامانی‌ها و کژفهمی‌هایی مواجه می‌شویم که مانع انتقال و فراگیری درست موسیقی ردیف می‌شود و این مجموعه (آلبوم) «ردیف میرزا عبدالله» منطبق بر کتاب ردیف میرزا عبدالله، نت‌نویسی آموزشی و تحلیلی داریوش طلایی است که می‌تواند به‌عنوان مرجعی پاکیزه در عرصه موسیقی مَدرَسی ایران باشد. زخمه‌های ناخن برسه تار و بارش مضراب‌ها بر تار در این اجراها مبین خوش‌فهمی و تکنیک بالای داریوش طلایی است تا جایی که او را شخصیتی منحصر، دانا و آگاه به رمز و رازهای مهمترین بخش موسیقی ایران که همانا ردیف دستگاهی روایت شده از میرزا عبدالله و آقا حسینقلی است، معرفی دوباره می‌کند. این اجراها طبق گفته طلایی برگرفته از نت‌نویسی با شرایط توصیفی، تجویزی و منعطف لحاظ شده است و نواختن ها با توجه به کوک مبنای دیاپازون است. هدف و تلاش طلایی طی سال‌ها کسب معلومات در فن موسیقا برای حفظ و نگهداشت میراث موسیقایی است که پس از فراز و نشیب‌های بسیار انسان این سرزمین به ما رسیده و آن را در اختیار نسل‌های بعد قرار می‌دهد، به نحوی که بتواند شکل آن را با زندگی زمان خود تطبیق داده و روح بخشد.

ردیف میرزا عبدالله / اجرای تار و سه تار: داریوش طلایی

حال خوب زندگی

یادداشت

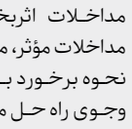

شهره طاعتی
مددکار اجتماعی

انسان‌ها ناگزیر از مشکل و مسأله هستند. آنها راهی برای فرار از وارد نشدن به مشکلات زندگی ندارند. این مشکلات می‌تواند هم فردی و شغلی، خانوادگی و احساسی باشد و هم می‌تواند اجتماعی و مربوط به مسائل جامعه باشد. مسائل و مشکلات دو جزء در کنار انسان هستند که در بعضی از زندگی‌ها کمتر و در بعضی دیگر بیشتر وجود دارند. کم و بیش مشکلات بستگی به نوع زندگی، فضای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه دارد اما موضوعی که حائز اهمیت است، ثابت ماندن و ماندگاری فرد در این مسائل و تأثیرات مخرب پس از بحران است که طول مدت آن و میزان آسیبی که به فرد از آن مسائل و مشکلات وارد می‌شود، بستگی به میزان مهارت‌های فردی و اجتماعی او دارد. آگاهی افراد از خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته‌اند یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که می‌تواند در خروج فرد از مشکلات به او کمک حائز اهمیتی کند.

انسان‌ها تا زمانی که در حال رشد و توسعه فردی باشند و با به‌روز شدن جامعه، خود را نیز به‌روز کنند و سطح آگاهی خود را ارتقا بخشند، در افزایش میزان رضایت از خود و زندگی نقش مهمی را به عهده گرفته‌اند. این مهارت‌ها مانند ابزاری قوی و کارآمد در دست فرد می‌تواند او را در نوع مواجهه با مشکلات و اندیشیدن به آنها به سمت استدلال کردن و یافتن اشتباهات خود ببرد و همین موضوع او را در حل مسأله‌اش یاری نماید. در این زمان است که فرد می‌تواند مداخلات اثربخشی داشته باشد. همین مداخلات مؤثر، مواجهه درست و بجا با مسائل، نحوه برخورد با بحران‌ها در زندگی، جست وجوی راه حل مناسب همگی از مهارت‌های لازم برای هر فرد است که نتایج آن در زندگی فرد به او احساس کارآمدی و حال خوب را به بار می‌آورد. زندگی باحال خوب و رسوب نکردن در موقعیت‌های مشکل، هنری است که در پی مهارت‌های فردی و توسعه فردی به وجود می‌آید.

بهترین زمان برای یادگیری این مهارت‌ها از دوران کودکی و نوجوانی است. کودکان و نوجوانان گروه حائز اهمیتی از جامعه را تشکیل می‌دهند. آنها آینده سازان کشورها هستند که سرمایه‌های انسانی و ملی محسوب می‌شوند. مخصوصاً دوران نوجوانی که دوره بسیار حساسی از زندگی هر فردی است. دورانی که نوسانات خلقی، احساسی و تحولات جسمی بسیاری را به همراه دارد. این دوره برای تمام افراد با فراز و نشیب‌های زیادی همراه است. دوران نوجوانی آغاز تحولات روحی برای پا گذاشتن به بزرگسالی است. در این دوره تمایل به استقلال طلبی و حضور در جامعه در آنها شکل می‌گیرد. گرایش به گروه همسال و دوستان افزایش می‌یابد و در کانون خانواده بیشتر به تنهایی روی می‌آورند. به همین دلیل ضرورت اجرای برنامه‌های آموزشی و مشارکتی از سوی افراد و گروه‌های متخصص و آگاه دیده می‌شود. اگر کودکان و نوجوانان اعتمادبه‌نفس درست و مثبت را بیاموزند و یاد بگیرند که در بحران‌هایشان سوار بر موج آن شده و احساسات آن دوره را بشناسند، می‌توانند به بهترین شکل آن مسأله را پشت سر بگذارند و حال خوب را نیز تجربه کنند.

حال خوب برای هر فردی تعریف خاصی دارد برای یک نفر رفاه و ثروت حال خوب می‌آورد و برای فرد دیگر زندگی در طبیعت و سفرها حال خوب معنی می‌شود ولی آنچه عمومیت دارد همان مهارت‌های فردی و اجتماعی است که مانع ورود و تخریب آسیب‌های اجتماعی، فردی، محیطی شغلی و غیره می‌شود.

فضای مجازی

مروری بر هنرنمایی ثریا قاسمی در سینما و تلویزیون به بهانه سالروز تولدش، ماجرای دست رد شجریان به سینه مسعود رجوی، سرنوشت پخش دربی پرسپولیس-استقلال در سینماها، خاطره‌بازی با آثار پرفروش سینما از «مدرسه موش‌ها» تا «طبقه حساس» و... برگزیده‌ای از اخبار پربازدید حوزه فرهنگ و هنر در فضای مجازی و رسانه‌ای است که برش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید:

■ **چهره‌روز**

ثریا قاسمی بازیگر شناخته شده سینما و تلویزیون امروز ۸۲ ساله می‌شود. او دختر حمیده خیرآبادی است. در چهار سالگی او، مادرش به واسطه دوستی، با تئاتر آشنا شد و این آشنایی، سرآغاز ورود او و دخترش به جهان هنر بود. ثریا قاسمی فعالیت حرفه‌ای خود را در اوایل دهه ۴۰ با گویندگی در رادیو آغاز کرد، سپس مشغول فعالیت در تئاتر شد و در چند سریال تلویزیونی پیش از انقلاب هم حضور پیدا کرد. او فعالیت در سینما را به طور رسمی در سال ۵۱ با بازی در یکی از نقش‌های اصلی فیلم «آرامش در حضور دیگران» به کارگردانی ناصر تقوایی آغاز کرد. بازی او در فیلم‌هایی مانند «مجسمه»، «دختر شیرینی‌فروش»، «شام آخر»، «ارتفاع پست»، «مارال» و... در خاطره تماشاگران مانده است. بازی او در سریال‌های «در پناه تو»، «در قلب من»، «روشن‌تر از خاموشی»، «شب دهم»، «صاحبدلان» و... به یادماندنی است.

■ **سخن‌روز**

«هرکاری کنید ابتدا ادبیات است و بعد سینما» این عبارات بخشی از صحبت‌های سیروس همتی در گفت‌وگو با ایرنا است. این بازیگر سینما و نمایشنامه‌نویس گفته است: «قطعاً ادبیات داستانی جلوتر از فیلم و فیلمنامه است، قبل از اینکه فیلم ساخته شود، می‌توانید به تاریخچه فیلم و ادبیات نگاه کنید، سینما وامدار ادبیات است و ۹۰ درصد از فیلم‌هایی که در دنیا ساخته می‌شود برگرفته از آثار مفاخر بزرگ است. هرکاری کنید ابتدا ادبیات است و بعد سینما.»

■ **چالش‌روز**

پس از تجربه موفق نمایش دیدار تیم ایران و امریکا در مسابقات جام‌جهانی و همچنین بازی فینال بین آرژانتین و فرانسه، حالا بهره‌وری از پخش بازی‌های جذاب داخلی در شرایط بحران اکران سینما جدی‌تر مورد توجه قرار گرفته و ایرنا به موضوع پخش دربی استقلال و پرسپولیس در سینما پرداخته است. در بخشی از این یادداشت آمده است: «فرصت طلایی جام‌جهانی به هر دلیلی سوخت شد اما این رویداد، قطعاً آخرین برگ برنده سینماهای کشور نیست. قرار است بزودی دربی لیگ‌برتر برگزار شود و این یعنی سرریزشدن صدها میلیون تومان به سینماها. وقتی یک سانس تیم‌ملی فوتبال کشورمان بیش از ۱۴ هزار بیننده داشت، آن‌وقت محاسبه کنید چه تعداد از طرفداران پرسپولیس و استقلال برای تماشای این بازی روانه سینما می‌شوند؟ بدگمانی بزرگی خواهد بود اگر این میزان را کمتر از ۱۴ هزار نفر بدانیم.»

■ **اتفاق‌روز**

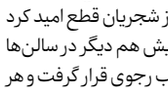

با درخواست مؤسسه تصویر شهر جهت اجرای طرح «سینما نوستالژی» در پردیس سینمایی ملت، موافقت شد و بر اساس این طرح قرار است آثار کودک قدیمی سینمای ایران مثل «شهر موش‌های ۱ و ۲» و آثار کمدی دهه ۹۰ مثل «طبقه حساس»، «خجالت نکش»، «چهارانگشت»، «تگزاس ۲» و... مجدد روی پرده سینماهای تصویر شهر برود. اکران فیلم سینمایی «جزیره فضایی» (ترنادو ۲) دیگر خروجی جلسه شورای صنفی نمایش است که روز گذشته (یکشنبه ۲۷ آذر) در خانه سینما برگزار شد. طبق گزارش مهر، قرارداد سرگروهی این فیلم سینمایی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی سید جواد هاشمی با سرگروهی پردیس کورش ثبت شده است.

■ **عدد‌روز**

«فروش ۱۸۰ میلیون دلاری آواتار در ۳ روز.» این خبر را که ایسنا منتشر کرده مقدمه‌ای بر تکرار تجربه فتح گیشه‌ها توسط جیمز کامرون است. «آواتار: راه آب» که دنباله پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینما است در حالی فروش ۱۸۰ میلیون دلاری را رقم زده که ۱۲۷ میلیون دلار آن از محل گیشه بین‌المللی و ۵۳ میلیون دلار آن نیز از امریکای‌شمالی کسب شده است و پیش‌بینی می‌شود فروش این فیلم تا پایان روز جمعه به بیش از ۴۰۰ میلیون دلار برسد.

■ **مکث‌روز**

سرتیم حفاظت از مسعود رجوی مدعی می‌شود سازمان مجاهدین خلق قصد جذب محمدرضا شجریان را داشته اما پس از اینکه از او جواب رد شنیده، تمام آثارش به دستور رجوی از بین رفته است. این اطلاعات را ایرنا از خاطرات مسعود خدابنده عضو سابق سازمان مجاهدین خلق و سرتیم حفاظت از مسعود رجوی به نقل از کتاب تهران تا تیرانا، منتشر کرده است. خدابنده می‌گوید: «یادم است سازمان مجاهدین خلق تا مدت‌ها دنبال محمدرضا شجریان بود تا او را جذب کند. رجوی بارها دنبالش فرستاد و شجریان هر بار دست رد به سینه فرستاده‌ها زد. کلامش را هم یادم است که گفته بود: من ثمره موسیقی یک نسل هستم، نه می‌خواهم و نه می‌توانم صدایم را در خدمت کسی قرار دهم.» او در ادامه می‌افزاید: «مسعود رجوی از آهنگ‌های شجریان لذت می‌برد و بقیه هم فهمیده بودند و حتی آهنگ‌های شجریان بیش از هر چیز دیگری در سالن‌های قرارگاه پخش می‌شد، اما وقتی رجوی از شجریان قطع امید کرد و فهمید او در تله مجاهدین نخواهد افتاد، تمام نوارهای شجریان از بین رفت و صدایش هم دیگر در سالن‌ها پخش نشد. وقتی آقای شجریان به مجاهدین پاسخ منفی داد به یکباره مورد غضب رجوی قرار گرفت و هر نشستی که برگزار می‌شد، باید حتماً شجریان مورد ناسزا قرار می‌گرفت.»

بیمه به‌زبان ساده

بیمه افزون بر رفع تشویش خاطر، دلهره و نگرانی از حوادث زیان‌بار احتمالی در آینده، خصوصیات مثبت دیگری نظیر تعاون و کمک به همنوع را در آحاد جامعه تقویت می‌کند. پیش‌از آغاز عملیات بیمه‌گری بهتر است با برخی ظرفیت‌ها، اصطلاحات و مفاهیم بیمه‌ای آشنا شوید. طرفین قرارداد بیمه عبارت‌اند از: الف) بیمه‌گذار که خریدار بیمه است. ب) بیمه‌گر که فروشنده بیمه است که از آن به‌عنوان نماینده شرکت بیمه یا شبکه فروش نام می‌برند. ج) در اصطلاح صنعت بیمه، بیمه‌گر را «متعهد» و بیمه‌گذار را «طرف تعهد» می‌نامند. بیمه‌گذار می‌تواند خود فرد، نماینده قانونی صاحب مال، ذینفع و یا کسی باشد که مسئولیت حفظ مال را برعهده گرفته است.